



استراتژی آمریکا در قبال جهان تشیع؛ مطالعه موردی عراق

پدیدآورده (ها) : جاودانی مقدم، مهدی؛ گوهری مقدم، ابوزر
علوم سیاسی :: پژوهش نامه سیاست خارجی :: اسفند 1387 -
شماره 20
از 143 تا 164
آدرس ثابت :

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/911595>

دانلود شده توسط : علیرضا مهدویان
تاریخ دانلود : 27/12/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از این قوانین، به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

استراتژی امریکا در قبال جهان تشیع؛



مطالعه موردی عراق

مهدی جاودانی مقدم

ابوذر گوهری مقدم

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

استراتژی مبارزه با تروریسم دولت ایالات متحده، متعاقب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و حمله نظامی امریکا به افغانستان و عراق و سرنگونی رژیم بعثی عراق، سبب شد تا تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های این کشور و کشورهای اسلامی منطقه به وجود آید. سقوط دولت صدام و روی کار آمدن اکثریت شیعیان در این کشور. از زمان روی کار آمدن امپراتوری عثمانی بی سابقه بود و نیز تحولات خاورمیانه از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و اسرائیل سبب شد تا برخی از کشورهای منطقه سخن از تشکیل هلال شیعی به میان آورند. از سوی دیگر روابط حسنه دولت ایران و عراق، سبب افزایش نفوذ منطقه‌ای کشورمان شده است که این امر نگرانی‌های جدیدی برای امریکا به وجود آورده است.

مقاله حاضر به بررسی ژئوپولیتیک هلال شیعی و زمینه‌های طرح و رویکردهای مختلف به آن پرداخته و سعی دارد در این چهارچوب به رهیافت امریکا نسبت به شیعیان عراق بپردازد.

کلیدواژه‌ها: هلال شیعی، عراق، شیعیان منطقه، ایالات متحده، شیعیان سکولار، شیعیان جهادی، شیعیان میانه‌رو.

مقدمه

تحولات خاورمیانه پس از سقوط دولت صدام و روی کار آمدن حکومت جدید به افزایش نقش شیعیان در ساختار هرم سیاسی عراق انجامید و سبب تقویت روابط این کشور با دولت شیعی ایران گردید. از سوی دیگر تقویت هویت شیعیان منطقه سبب ظهور دکترین و نگرش‌های جدیدی در قبال این مسئله شده است. در این میان، هلال شیعه یا ژئوپولیتیک نوین تشیع، یکی از جدیدترین و مهم‌ترین نگرش‌های سیاسی است که از سوی برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بارها مورد توجه قرار گرفته و بر ضرورت مقابله با آن تأکید شده است. این امر که با نگرش‌های مختلف و نگرانی برخی دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای همراه شده است، سبب تعاملات جدیدی در روابط دولت‌های منطقه گردیده است. شایسته است جهت ورود به بحث استراتژی امریکا در قبال جهان تشیع، در ابتدا به جغرافیای آنچه هلال شیعه نامیده می‌شود و رویکردهای مختلف به آن پرداخته و رویکرد امریکا نسبت به آن را توضیح دهیم.

جغرافیای هلال شیعه

با نگاهی به نقشه جهان، پراکندگی شیعیان را در منطقه‌ای از جنوب شرق

آسیا تا اروپا می‌توان مشاهده کرد. در این میان جمعیت ۲۱۵ میلیونی که در حدود ۱۵ درصد از جمعیت مسلمانان جهان است، در کشورهای ایران (با حدود ۶۵ میلیون نفر)، پاکستان (۳۳ میلیون)، هند (۳۱ میلیون)، عراق (۱۸ میلیون)، و ترکیه (۱۴ میلیون) قرار دارند. با این وجود تنها در ۴ کشور ایران (۹۰ درصد)، عراق (۶۵ درصد)، بحرین (۷۵ درصد) و آذربایجان (۷۵ درصد)، شیعیان حداکثر جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند و در لبنان نیز شیعیان بزرگ‌ترین گروه جمعیتی (۴۵ درصد) را تشکیل می‌دهند. بنابراین در منطقه خاورمیانه شیعیان در کشورهای عربستان، لبنان، سوریه، کویت، قطر، امارات، یمن، افغانستان، هند و پاکستان در اقلیت به سر می‌برند.^(۱) تخمین جمعیت شیعه عرب حدود ۱۴ میلیون نفر است که بیشتر در کشورهای حاشیه خلیج فارس مستقر هستند. شیعیان در خلیج فارس ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و علاوه بر سراسر کرانه شمالی خلیج فارس (ایران) و بخش گسترده‌ای از کرانه جنوب آن (بحرین، الحساء و کویت) که دارای جمعیت بومی شیعه هستند، در منطقه‌ای از فلسطین تا پاکستان نیمی از جمعیت یعنی ۱۴۰ میلیون از ۴۰۰ میلیون نفر منطقه را شامل می‌شوند.^(۲) در این میان ایران با اکثریت مطلق ۹۰ درصد شیعه که ۶۵ میلیون نفر از جمعیت این کشور است، قلب ژئوپولیتیک شیعه و تنها دولت شیعی قبل از تحولات اخیر در عراق محسوب می‌شود. اهمیت جایگاه و منزلت شیعیان در منطقه به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک آنان در خاورمیانه است. در واقع موقعیت جغرافیایی استقرار شیعیان یا ژئوپولیتیک شیعه در منطقه خاورمیانه، کمر بند استراتژیک، اقتصادی و سیاسی در منطقه محسوب

می‌شود، زیرا شیعیان در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه که ۷۵ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، قرار گرفته‌اند و با اکثریت جمعیت شیعی ایران، عراق و آذربایجان، بر ۳۰ درصد ذخایر نفت دسترسی دارند که اگر قسمت شیعه‌نشین شرق عربستان سعودی به این ارقام اضافه شود، این مقدار به ۵۰ درصد می‌رسد. بنابراین شیعیان عرب به همراه ایران می‌توانند اکثر منابع خلیج فارس را به کنترل خود درآورند. علاوه بر این، اهمیت این موضوع با توجه به اینکه ۷۰ درصد کارکنان شاغل در میادین نفتی عربستان شیعه هستند، یک‌چهارم شهروندان کویت، ۲۰ درصد جمعیت قطر و ۷۵ درصد مردم بحرین نیز شیعه می‌باشند، تشدید می‌شود. این مسئله با توجه به تحولات اخیر در منطقه که با دومینوی هویت‌یابی شیعیان در عراق آغاز شده و اولین دولت عرب شیعی را به وجود آورده است، زمینه طرح هلال شیعی یا ژئوپولیتیک تشیع را در منطقه به وجود آورده است.^(۳) در این معنا هلال شیعی یا ژئوپولیتیک تشیع به منطقه جغرافیایی گفته می‌شود که از ایران آغاز شده و با عبور از عراق و سوریه، به جنوب لبنان و فلسطین می‌رسد. بنابراین هلال شیعی، دولت ایران و عراق، علویان سوریه که ۱۳ درصد جمعیت این کشور را شامل شده و حکومت را در دست دارند و شیعیان لبنان که با جنبش حزب‌الله شناخته می‌شوند و ۴۵ درصد از جمعیت این کشور را در دست دارند، دربرمی‌گیرد.

زمینه طرح هلال شیعی

تحولات خاورمیانه و تشکیل دومین دولت شیعی منطقه پس از سقوط رژیم صدام به معنای فصل جدیدی در معادلات امنیتی و سیاسی

خاورمیانه و احیای هویت شیعیان منطقه است. تحولات سیاسی عراق سبب شده است تا شیعیان عراق به مرکز تأثیرگذار هویت و رفتار سیاسی سایر شیعیان عرب تبدیل شوند. از سوی دیگر، این مسئله سبب تقویت مواضع ایران در منطقه شده است. طرح هلال شیعه برای نخستین بار توسط ملک عبدالله، پادشاه اردن، در دسامبر ۲۰۰۴ عنوان گردید. نگرانی از افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه و تحولات سیاسی خاورمیانه در قالب هلال شیعی، پس از آن به طور مکرر توسط سایر رهبران و مقامات جهان عرب طرح گردید. حسنی مبارک و پادشاه عربستان نیز بر این ایده تأکید کردند. پس از آن این طرح توسط بوش، چنی، رایس، بلر، سنی‌های متعصب و رسانه‌های غربی بارها تکرار شد و این مسئله زمینه‌ساز فرقه‌گرایی و شیعه‌ستیزی در میان سنی‌های منطقه، معادل با امریکاستیزی در خاورمیانه شد.^(۳) از سوی دیگر طرح مسئله هلال شیعی سبب فروش تسلیحات نظامی معادل ۲۰ میلیارد دلار به دولت‌های متحد امریکا در منطقه شده است.

زمینه‌های طرح هلال شیعی در منطقه عبارتند از:

۱. افزایش نفوذ ایران در منطقه به همراه پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک و به ویژه قابلیت‌های دفاعی و نظامی؛
۲. تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران، در سایه دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای؛
۳. همگرایی میان ایران و عراق؛
۴. گسترش بعثی‌زدایی در عراق؛
۵. هویت‌یابی مسلمانان شیعه در پی سقوط صدام و روی کار آمدن

شیعیان در عراق؛

۶. پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل؛
 ۷. ناکامی امریکا در کنترل بحران‌های منطقه‌ای از جمله عراق و افغانستان به نحوی که سبب افزایش وزن ایران در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه و ارتقای نقش آن در حل بحران‌های منطقه‌ای شد.
- مجموعه این عوامل سبب تکرار خطر تشکیل هلال شیعی از سوی مقامات رسمی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و تلاش مشترک آنان در کاهش نفوذ ایران در منطقه شده و به فرقه‌گرایی و تنش مذهبی در منطقه دامن زده است.

سناریوهای متفاوت نسبت به طرح هلال شیعی

هرچند طرح هلال شیعه را می‌توان محصول تقویت پتانسیل‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان در منطقه دانست، ولی هیچ اجماعی در مورد چگونگی ظهور آن در خاورمیانه وجود ندارد. بر این اساس، می‌توان رهیافت‌های مختلف نسبت به طرح و شکل‌گیری هلال شیعی را به شکل زیر تدوین نمود:

۱. هلال شیعی نتیجه هژمونی‌طلبی ایران در منطقه: براساس این رویکرد هلال شیعی یک پروژه واقعی است که از سوی ایران در پرتو تحولات جدید در خاورمیانه به وجود آمده است. قدرت‌گیری ایران در منطقه در نتیجه شکست طالبان در افغانستان و سقوط صدام در عراق و نیز احیای اسلام شیعی در سوریه و لبنان، سبب طرح اندیشه‌های انقلابی شیعی و افزایش نفوذ و قدرت ایران و شیعیان شده است.
۲. هلال شیعی طرحی امریکایی: براساس این رویکرد، شکست

امریکا در پیشبرد اهداف خود در پرتو طرح خاورمیانه بزرگ، سبب شده است مسئله هلال شیعی از جانب امریکا و در راستای منافع این کشور مطرح شود. در واقع امریکا سعی دارد شکست خود در منطقه به ویژه عراق را با طرح مسئله‌ای جدید فرافکنی نماید و از طریق ایجاد جنگ روانی گسترده علیه ایران و شیعیان، به مهار آنان اقدام کند. همچنین این مسئله سبب تفرقه افکنی و افزایش اختلافات شیعه و سنی در منطقه خواهد شد و شکاف ایران و کشورهای عرب منطقه را افزایش خواهد داد. براساس این سناریو، هدف هلال شیعی انحراف اذهان عمومی مسلمانان از تهدید اسرائیل به تهدید شیعیان منطقه و نیز تداوم هژمونی سیاسی، اقتصادی و امنیتی امریکا در خاورمیانه می‌باشد.

۳. سناریوی سوم، هلال شیعی را طرحی مشترک از سوی امریکا و شیعیان می‌داند که با هدف کنار گذارستن سنی‌ها، تعقیب می‌شود. بر این اساس امریکا و شیعیان با هدف ضربه زدن به سنی‌ها اقدام به تقویت هلال شیعی در منطقه می‌نمایند. این سناریو عمده‌تاً از جانب افراطیون سنی ترویج می‌شود. (۶) (۵)

۴. هلال شیعی سناریویی عربی جهت کاهش نفوذ شیعیان در منطقه: براساس این رویکرد، چنانکه نخستین بار سران عرب مسئله هلال شیعی را مطرح کردند، به دنبال بحران‌سازی در روابط ایران، شیعیان و اعراب بوده و سعی نمودند با طرح چنین مسائلی توازن قدرت منطقه‌ای را به سود خود تغییر دهند و همگرایی در جهان عرب را تقویت بخشند.

۵. هلال شیعی سناریوی مشترک میان امریکا و اعراب: این رویکرد هدف طرح ظهور هلال شیعی را در راستای منافع مشترک آنان در

تحدید نفوذ ایران در منطقه، کاهش نقش شیعیان میانه‌رو یا رادیکال و تقویت جریان شیعه سکولار و سنی‌های عراق و تثبیت هژمونی فرامنطقه‌ای امریکا در خاورمیانه می‌داند.

۶. هلال شیعی، روندی تاریخی: بر این اساس، ژئوپولیتیک نوین تشیع یا هلال شیعه، پروسه‌ای تعریف می‌شود که به مرور زمان شکل گرفته و موجب خودآگاهی شیعیان و بازسازی هویت آنان می‌شود. در واقع احساس سرنوشت مشترک و تاریخ، فرهنگ و هویت همسان، سبب پیوند جوامع شیعی می‌شود. در واقع مسائلی نظیر انزوای دیرین سیاسی و محرومیت اقتصادی شیعیان عرب و نارضایتی تاریخی آنان و نیز تحولات عراق و پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، سبب شده است هویت‌یابی شیعیان تکمیل گشته و هلال شیعی در حال شکل‌گیری باشد.

رویکرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ایده هلال شیعه

به طور کلی کشورهای عربی منطقه خاورمیانه از قدرت گرفتن شیعیان در عراق که می‌تواند موازنه قدرت را در منطقه تحت تأثیر قرار دهد، نگرانند. آنان معتقدند که حضور دو دولت شیعی با روابط دوستانه، توازن قوا را در منطقه برهم می‌زند و این روند، جمعیت پراکنده شیعه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین نگرانی جهان عرب از افزایش آگاهی سیاسی و احیای شیعه که در قالب ایده هلال شیعی یا ژئوپولیتیک تشیع از آن یاد می‌کنند، بر این اساس قرار دارد که اولاً پیرنگ شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت منطقه و ایجاد زمینه‌های ائتلاف ایران و عراق، ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به

ضرر جوامع سنی که حکومت‌ها را در اختیار دارند، به هم می‌زند و ثانیاً این ائتلاف در درون سرزمین‌هایی صورت می‌گیرد (ایران، عراق، سوریه و لبنان) که در آنها حکومت‌هایی مخالف نظم سستی موجود در رأس قدرت قرار دارند. بنابراین این اتصال استراتژیک سبب تغییر در تعادل قدرت می‌شود. از سوی دیگر، تشکیل و تقویت این ائتلاف با نوع نگاه متفاوت آن به نقش بازیگران و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تهدیدی برای حکومت‌های محافظه‌کار منطقه به حساب می‌آید. بنابراین آنان برای مقابله با این پیامدها به سیاست‌های متفاوتی دست زده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. سیاست ضد ایرانی

این سیاست با تبلیغ جاه‌طلبی ایران در کسب هژمونی منطقه‌ای، مداخله آن در امور داخلی عراق، تلاش در ایجاد هلال شیعی در منطقه و... پیوندهایی را در کشورهای عربی منطقه - به غیر از سوریه و لبنان - با امریکا و اسرائیل ایجاد کرده و سبب همسویی نسبی منافع آنان شده است. از این رو بارها بر اتهامات مداخله ایران در امور عراق و تسلیح گروه‌های شبه نظامی عراقی و تلاش ایران برای افزایش قدرت خود، در منطقه تأکید کرده‌اند.

۲. سیاست ضد شیعی

این سیاست با تلاش تفکیک عربیت و تشیع و اعلام اینکه نگرانی عمده سران عربی، به خطر افتادن عربیت عراق است، مطرح شده و با فتاوی‌های مفتی‌های وهابی و تشدید مقابله با شیعیان در منطقه تقویت شده است.

۳. تلاش برای بی‌ثباتی داخلی در عراق

این سیاست به نوعی مقاومت اعراب در برابر نهادینه شدن دولت شیعه در عراق و تثبیت حاکمیت شیعه بر کشوری است که سابقه طولانی حکومت سنی دارد. از این‌رو کشورهای عربی به حمایت مادی و معنوی از گروه‌های تکفیری، سلفی و بنیادگرایان القاعده در عراق برخاسته‌اند تا از خروج عراق که حلقه اتصال ژئوپولیتیک شیعه به سوریه و لبنان و دومینوی احیای شیعیان در منطقه است، خودداری کنند.

۴. افزایش فشار و سرکوب شیعیان کشورهای عربی

این سیاست به منظور مقابله با تسری تجربه عراق به شیعیان این کشور و هویت‌یابی آنان است. در این راستا هرگونه نارضایتی شیعیان با شدت بیشتری نسبت به گذشته به مزدوری آنان برای ایران نسبت داده و سرکوب می‌شود، چنانچه این مسئله در عربستان در تشدید سختگیری و فشار بر شیعیان ملی و منطقه‌ای کاملاً مشهود است.

۵. افزایش همگرایی دول سنی علیه تشکیل هلال شیعی

این سیاست که از همکاری سیاسی تا پیمان‌های دفاعی - امنیتی و افزایش فروش تسلیحات نظامی پیش رفته است، در راستای کسب منافع مشترک آنان علیه شیعیان است، از این‌رو، علی‌رغم تشدید فعالیت بنیادگرایان سنی، تکفیری، بعثی‌ها، القاعده در عراق و همکاری پنهانی آنان با دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همواره بر مداخله ایران و نقش اساسی آن در بی‌ثباتی و هرج و مرج در عراق تأکید می‌شود.

امریکا و ایده هلال شیعی

امریکا به تغییر استراتژی خود از خاورمیانه بزرگ که به دنبال تغییر هلال دیکتاتورها به هلال دموکراسی در خاورمیانه بود، به خاورمیانه جدید و تبدیل هلال شیعی به قوس سنی در منطقه دست زده است.

مهم ترین دلایل تغییر رویکرد امریکا به خاورمیانه جدید و مقابله با پیامدهای تشکیل هلال شیعی به جای خاورمیانه بزرگ عبارتند از:

۱. منافع ژئوپولیتیک امریکا در منطقه

موقعیت ژئوپولیتیک شیعه و مرکزیت منابع انرژی در خاورمیانه و نیاز امریکا به این منابع سبب شده است این کشور با روی کار آمدن تفکر شیعی با مختصات ضد امریکایی و ایدئولوژی افراطی، مخالف باشد و از تمام امکانات خود جهت کنترل تفکرات مخالف خود استفاده نماید. این مسئله علی رغم همپوشانی بیشتر منافع امریکا و شیعیان سبب شده است تا امریکا به سنی های منطقه نزدیک شود و به مهار تشیع اقدام ورزد.

۲. نگرانی از تقویت و ظهور کشورهای شیعی متمایل به ایران در منطقه

این امر با توجه به پیشینه تاریخی روابط ایران و امریکا، چهارچوب ذهنی محدود و سازه انگارانه ای را برای دولت امریکا در تعامل با شیعیان و در راستای محوریت قدرت آنان، در منطقه به وجود آمده است.

۳. سیاست مهار جریان مقاومت در خاورمیانه

آنچه هلال شیعی نامیده می شود، به نقطه مقاومت در برابر سیاست های امریکا و اسرائیل در خاورمیانه بدل شده است، که این امر با منافع غرب و به خصوص امریکا در منطقه در تعارض قرار گرفته و بر این اساس

هلال شیعی سد نفوذ استراتژی نوین امریکا در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. مجموعه این عوامل سبب نگرانی امریکا از افزایش قدرت شیعیان و به ویژه ایران و یا ایجاد هلال شیعی در منطقه شده و سیاست‌های این کشور را به همگرایی با کشورهای عربی منطقه سوق داده است.^(۸۴) به طور کلی می‌توان استراتژی امریکا در قبال جهان تشیع را به شکل زیر خلاصه نمود:

۱. تقسیم‌بندی شیعیان به سکولار، محافظه‌کار، میانه‌رو، رادیکال و... و تلاش در جهت جلب حمایت گروه‌هایی که اشتراکات منافع بیشتری با آنان دارند.
۲. همگرایی با دولت‌های عربی و حمایت از آنها در راستای گسترش امنیت در منطقه، در پرتو استراتژی بحران مدیریت شده.
۳. تلاش در سد نفوذ ایران در منطقه.
۴. تأکید بر اختلافات میان اعراب و ایران.
۵. تلاش جهت برقراری توازن قوا میان شیعیان، کردها و سنی‌ها با حمایت از شیعیان سکولار و گروه‌های میانه‌روی سنی.
۶. بزرگنمایی اختلافات میان شیعیان.
۷. تلاش در جهت اتحاد سنی‌ها در مقابل شیعیان.
۸. تأکید بر شکاف سنی و شیعه در منطقه.
۹. تأکید بر تهدید بودن ایران برای اعراب.

رهیافت امریکا نسبت به شیعیان عراق

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نقطه عطفی در سیاست خارجی امریکا محسوب می‌شود که طی آن سیاست امریکا خط مشی جدید خویش

مبنی بر مبارزه با تروریسم را تعریف نمود. اهمیت استراتژی نوین امریکا به حدی بود که باعث شد سیاست‌های این کشور در قبال جهان سوم دستخوش تغییراتی گردد. این تغییرات در پی حمله به افغانستان و سپس عراق وارد مرحله جدیدی شد و ضرورت تدوین و اجرای استراتژی نوینی با توجه به مقتضیات جدید، برای امریکا احساس شد. سقوط دولت بعثی عراق و روی کار آمدن اکثریت شیعیان در این کشور، که از زمان روی کار آمدن امپراتوری عثمانی بی‌سابقه بود و نیز تحولات خاورمیانه از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و اسرائیل سبب شد تا برخی از کشورهای منطقه از تشکیل هلال شیعی در منطقه سخن بگویند. از سوی دیگر روابط حسنه دولت عراق با ایران و افزایش نقش منطقه‌ای کشورمان سبب شد نگرانی‌های جدیدی برای دولت امریکا ایجاد گردد. رویکرد دولت امریکا نسبت به شیعیان، به دو رهیافت کلان آن کشور نسبت به جریان‌های اسلامگرا بازمی‌گردد. این دو رهیافت متفاوت پس از پایان جنگ سرد در بین اندیشمندان امریکایی مطرح شده است و هر یک تصاویر متفاوتی از جهان اسلام و گروه‌های اسلامگرا ارائه می‌دهد:

الف) رویکرد تقابل‌گرا^۱

براساس این برداشت از اسلام، پس از پایان جنگ سرد، مبارزه با اسلام سیاسی می‌بایست جایگزین مبارزه با کمونیسم گردد. این رویکرد، اسلام سیاسی را تهدیدی بالقوه برای غرب می‌داند. از نظر این عده اسلام و

1. Confrontationalist

دموکراسی کاملاً در تضاد بوده و بنیادگرایان اسلامی همانند کمونیست‌ها ذاتاً ضددموکراتیک و عمیقاً ضدغربند و مبارزه میان اسلام و غرب نه تنها بر سر منافع مادی و سیاسی بلکه ستیزی تمدنی و فرهنگی محسوب می‌شود. سامونل هانتینگتون، برنارد لوئیس و مارتین ایندیک شاخص‌ترین چهره‌های این جریان هستند.

ب) رویکرد تعامل‌گرا^۱

این رویکرد، اسلام را تهدیدی برای غرب ندانسته و تنها آن را چالش جدید برای غرب می‌داند. به نظر این گروه، جهان اسلام بسیار پراکنده‌تر و پیچیده‌تر از آن چیزی است که معمولاً غربی‌ها تصور می‌کنند و گوناگونی و تنوع بسیاری در جهان اسلام دیده می‌شود. بنابراین نباید ویژگی‌های رفتاری بخشی از جوامع اسلامی را به کل تعمیم دهیم. به نظر این متفکران، غرب شناخت عمیقی از جهان اسلام ندارد و این مسئله سبب ناکامی امریکا در خاورمیانه شده است. براساس این رهیافت، امریکا می‌بایست با حمایت از فعالیت‌های دموکراتیک واقعی اسلام‌گرایان، از حمایت جوامع اقتدارگرا و سرکوبگر که سبب تشدید احساسات ضد امریکایی در توده‌های مسلمان می‌شود، دست بردارد. جان اسپوزیتو و گراهام فولر، شاخص‌ترین این اندیشمندان محسوب می‌شوند.^(۹)

براساس این دو رویکرد، سیاست امریکا نسبت به شیعیان در دو مقطع قبل از حمله به عراق و پس از آن تغییر نموده است. در دوره

1. Accommodationalist

صدام و سال‌های پایانی حکومت وی، رویکرد تقابل‌گرا نفوذ بیشتر داشت و پس از سرنگونی صدام و به قدرت رسیدن اکثریت شیعه در عراق، نگرش تعامل‌گرا تقویت شده است. بر این اساس، امریکا سه دسته شیعیان را در منطقه تقسیم‌بندی می‌نماید و در قبال هر گروه سیاستی متفاوت را اتخاذ نموده است:

۱. شیعیان سکولار

این گروه از شیعیان عمدتاً افراد تحصیل‌کرده غرب و روشنفکران مرتبط با غرب هستند که چهره‌ای ملی‌گرا و یا سوسیالیست تلقی می‌گردند. این دسته مذهب را تنها در حوزه فردی دخیل دانسته و معتقد به جدایی دین از سیاست هستند. آنان همچنین تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب بوده و با رویکردی غیرایدئولوژیک به بررسی مسائل می‌پردازند. این افراد عمدتاً ارتباط مناسبی با دولت امریکا داشته و تلاش وسیعی را از تبعیدگاه اروپایی و امریکایی خود برای موفقیت امریکا خصوصاً در عراق انجام دادند. این دسته از شیعیان اساساً مورد حمایت امریکا هستند چراکه رویکرد آنان در تقابل با جریان‌ات اسلام‌گرای شیعی مذهب، محور قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر این افراد به سبب گرایش‌ات معتدل و میانه‌روی خود می‌توانند تعامل خوبی با سنی‌ها و سایر اقلیت‌های قومی - مذهبی منطقه داشته باشند. همچنین شیعیان سکولار به دنبال تشکیل حکومتی مذهبی نبوده و عمدتاً مخالف سیاست‌های دولت ایران در منطقه هستند. از جمله دلایل دیگر حمایت امریکا از شیعیان سکولار آن است که به دلیل گرایش‌ات ناسیونالیستی و دموکراتیک، می‌توانند دوران‌گذار به سوی

دموکراسی را سریع‌تر فراهم نموده و زمینه گسترش مشارکت سیاسی را در جوامع خود به وجود آورند. همچنین این عده کانال ارتباطی مناسبی بین تعاملات غربی و امریکایی با شیعیان مذهب محور و مقامات مذهبی دولت‌های خود به وجود می‌آورند. بدون شک اولویت ارتباطی و همکاری مقامات امریکایی، این دسته از شیعیان می‌باشد ولی عدم محبوبیت عمومی آنها و شکست جریانات سکولار در عراق، سبب شده است امریکا نسبت به سرمایه‌گذاری صرف بر روی این شیعیان سکولار دچار تردید شود. امریکا در عراق به خوبی دریافته است نمی‌تواند شیعیان سکولار را به طور کامل در قدرت حفظ نماید.^(۱۰)

۲. شیعیان عملگرا

این دسته از شیعیان پس از سرنگونی صدام فرصت را غنیمت دانسته و درصدد بهره‌برداری از آن در جهت ایجاد دولت مقتدر مرکزی، براساس اصول دموکراتیک و رأی اکثریت پرداختند. از این رو این دسته حاضر به تعامل با امریکا در صحنه سیاسی عراق نیز شده‌اند. این دسته از شیعیان نسبت به تجزیه عراق حساس بوده و به دنبال حفظ تمامیت ارضی عراق و کنترل آن توسط اکثریت شیعه هستند. از ویژگی‌های این دسته از شیعیان عملگرا در عراق، روابط حسنه آنها با حکومت ایران است، هرچند روابط گسترده‌ای نیز با دولت امریکا داشته‌اند. این گروه توانسته‌اند با پذیرش نقش امریکا در عراق، منافع زیادی به دست آورند. از سوی دیگر، ارتباط نزدیک آنها با ایران و امریکا سبب شده است از پتانسیل‌های این دو کشور برای پیشبرد منافع ملی عراق استفاده نمایند. هرچند نزدیکی این دسته از شیعیان عراق به ایران باعث نگرانی

امریکا است ولی در میان مدت، نزدیکی آنها با دولت ایران سبب پیشبرد برخی منافع امریکا در عراق نیز خواهد شد. هرچند تداوم حضور امریکا در عراق احتمالاً تضاد برخی منافع میان شیعیان عملگرا و امریکا را روشن خواهد ساخت.^(۱۱)

۳. شیعیان جهادی

از نظر دولت امریکا این گروه رادیکالترین گروه شیعه و سرسختترین دشمن امریکا محسوب می‌شوند. شیعیان جهادی با گرایش‌های شدیداً مذهبی و ایدئولوژیک، به دفاع آشکار و صریح از تأسیس دولت اسلامی در کشورهای خود پرداخته و خواهان ایجاد یک کشور شیعی مانند ایران ولی مستقل از آن هستند. این گروه ضمن مخالفت با حضور امریکا در عراق، خروج سریع نظامیان این کشور از عراق را خواستارند. مخالفت این جریان با حضور امریکا در عراق آنان را به نماد مقاومت در برابر اشغالگران تبدیل کرده است. میزان محبوبیت یا قدرت جریان رادیکال شیعه عراق از نظر امریکا مبهم است.

علاوه بر این گروه‌ها، امریکا نمی‌تواند اهمیت نقش مرجعیت شیعه در عراق را نیز نادیده بگیرد. مسلماً دولت امریکا نمی‌تواند حکومت شیعی شبیه ایران را در عراق تحمل نماید لذا سعی نموده است به مدیریت اوضاع پردازد. از نظر دولت امریکا مرجعیت شیعه عراق (آیت الله سیستانی) رویکردی عملگرایانه داشته و به دنبال ایجاد حکومت اسلامی نظیر ایران در منطقه نیست. امریکا از برخی عملکردهای آیت الله سیستانی نظیر کناره‌گیری ایشان از قدرت و تلاش برای حفظ حقوق شیعیان و سعی در جلوگیری از بحران‌های قومی - مذهبی، رضایت

با توجه به آنچه طرح شد، به طور کلی نگرش امریکا به شیعیان عراق را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱. نادیده گرفتن شیعیان در ساختار سیاسی عراق غیرممکن است و تهدیدات فراوانی برای آینده عراق، منطقه و امریکا به دنبال دارد.

۲. شیعیان یک جمعیت یکپارچه نیستند و اهداف، سیاست‌ها و عملکرد مشترکی ندارند. وضعیت اقتصادی و اجتماعی انشعابات مختلفی در آنها پدید آورده و جهت‌گیری سیاسی و میزان پایبندی مذهبی آنها نیز متفاوت است. بنابراین می‌توان شیعیان عراق را به شیعیان سکولار، عملگرا و رادیکال تقسیم کرد.

۳. شیعیان عراق لزوماً با شیعیان ایران همسویی ندارند و ضرورتاً به دنبال ایجاد یک حکومت اسلامی همانند ایران نیستند.

۴. همه گروه‌های شیعی در عراق مخالف حضور امریکا نیستند و با این کشور دشمنی ندارند بلکه طرز تفکر آنان از امریکا به جهت‌گیری سیاسی افراد، سیاست‌های امریکا در منطقه و نگرش امریکا به آنان بستگی دارد.

۵. شیعیان سکولار به دلیل اعتقادات غیرایدئولوژیک، ناسیونالیستی و دموکراتیک، بهترین گزینه برای رهبری آینده عراق و عنصری ضروری برای گذار به دموکراسی در عراق از دید امریکا تلقی می‌شوند، هرچند امیدی به ایجاد یک دولت سکولار شیعی در عراق وجود ندارد.

۶. شیعیان عملگرا حداقل ایران و امریکا بوده و روابط خوبی با دو کشور دارند و پتانسیل واسطه‌گری در تنش‌زدایی را در روابط ایران و

امریکا دارند. این گروه لزوماً به دنبال ایجاد یک حکومت اسلامی در عراق همانند مدل ایرانی نیستند.

۷. امریکا معتقد است شیعیان رادیکال که سیاست‌های ضد امریکایی دارند، توسط دو جریان شیعی سکولار و یا سایر گروه‌های سنی و کرد مهار خواهند شد.

۸. تداوم حضور امریکا در عراق و حضور طولانی‌مدت در این کشور، همه گروه‌های شیعی را ناراضی خواهد کرد و به روابط امریکا و این گروه‌ها آسیب خواهد رساند.

۹. مرجعیت عراق گرایش‌های عملگرایانه بیشتری دارد.

۱۰. منافع درازمدت امریکا در منطقه اقتضا می‌کند که امریکا با شیعیان از در مذاکره درآید و به نفع آنان تغییراتی را در کشورهای عربی پدید آورد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نتیجه‌گیری

سرنگونی رژیم بعثی صدام حسین، در آوریل ۲۰۰۳، دور تازه‌ای از روابط دولت - ملت را در تاریخ این کشور گشود و تأثیر عمده‌ای نیز بر تحولات منطقه‌ای ایجاد کرد، به نحوی که پیش از آن امریکا به لحاظ روابط، اکثراً با اعراب سنی طرف بود ولی پس از آن مجبور شد حکومت جدید شیعی را براساس رویه دموکراتیک در عراق به رسمیت بشناسد. محور عراق، ایران و شیعیان لبنان که پس از آن برای اعراب سنی اهمیت فزاینده‌ای یافت، به عنوان تهدیدی جدید برای امریکا و متحدان آن مطرح شد. هرچند اتخاذ سیاست‌های امریکا در این راستا به دلیل عدم شناخت کافی از ویژگی‌های ژئوکالچرال و ژئواستراتژیک منطقه، همواره

ناقص بوده است، ولی می‌توان روندهای کلی زیر را در آن تشخیص داد:

۱. تقویت گروه‌های میانه‌روی شیعی در منطقه جهت مقابله با رادیکالیسم. امریکا تلاش دارد از طریق شیعیان میانه‌رو و اعتدال‌گرا، رادیکالیسم را کنترل نموده و حمایت سایر گروه‌ها را در جهت منافع خود جلب نماید.

۲. حذف گرایش‌های رادیکال. تلاش امریکا مبتنی بر حذف تمامی گرایش‌های رادیکال چه به صورت حذف فیزیکی و یا حل و جذب آنها در سایر گروه‌هاست. هرچند رادیکالیسم شیعی به نسبت سایر گروه‌های رادیکال سنی و سلفی کمترین صدمه را به امریکا وارد ساخته است و اصولاً شیعیان کمترین رفتار رادیکال را در منطقه داشته‌اند، ولی به هر حال مانعی در جهت اهداف امریکا محسوب می‌شوند.

۳. ترویج عقاید ضدتروریستی در میان گروه‌های مختلف و تبدیل عراق به الگویی در جهت ساخت جامعه‌ای دموکراتیک و سکولار برای سایر دول عربی منطقه.

۴. تلاش در جهت ورود گروه‌های مذهبی مختلف به صحنه سیاسی از طریق شیوه‌های معمول و عدم استفاده از راه‌های افراط‌گرایانه.

۵. مقابله با نفوذ و حضور ایران در منطقه و تفرقه‌افکنی میان شیعه و سنی در جهت بهره‌برداری و پیشبرد منافع خود از اختلافات قومی - قبیله‌ای.

پی نوشت‌ها

1. David Gardner, "Time of the Shia", Financial Times, August 31, 2006.
2. Ibid.
3. www.shiastudies.com
4. Vali Nasr, When the Shia Rise, Council on Foreign Relation, July/ 2006.
5. Jason Burke, Are the Shias on the brink of taking over the Middle East? July 23, 2006, www.observer.ghardian.co.uk
6. Graham Fuller, Islamist Politics in Iraq After Saddam Hussein, at: www.suip.org, Aug 2006.
7. Nawaf Obaid, A shia Crescent and the Shia Revival: Myths and Realities, 09/27/2006 at: www-saudi-us-Ralation.org
8. Ehsan Ahrary, "The Real Challenge from the Shia Crescent" at: www.antiwar.com, July 25, 2006.
9. Fawaz A. Gerges, America and Political Islam: Clash of Culture or Clash of interest, Cambridge University Press, 1999.
10. Marina Ottaway and Amr Hawzaui, Fighting on two Fronts, Secular Parties in the Arab world, www.carnegieendowment.org, May 2007.
11. Ibrahim Said, Trial and Error: Washington and Iraq's Shitte, www.worldsecuritynstitute.org
12. Kashif Mumtaz, Iraq Shias After Saddam Hussein: A Study in Blitical Behavior, at: www.issi.org, PK, 2003.